

عنوان مقاله:

توسعه اخلاق هیجان مدار از طریق ادبیات داستانی

محل انتشار:

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، دوره 14، شماره 1 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

نویسنده:

داود امینی - گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

خلاصه مقاله:

زمینه: ادبیات، شیوه معرفت شناختی خاصی برای فهم و بیان حقایق هستی است که از دیرباز توانسته است، نقش بی بدیلی در دانایی بشر ایفا نماید. اگرچه آثار معرفتی متون ادبی، در هر دو بعد شناختی و هیجانی روی می دهند، کارکرد هیجانی ادبیات به مراتب چشم گیرتر است. ادبیات داستانی، از طریق تخیل ذهن خواننده، ضمن کمک به شکل گیری هیجان های اخلاقی نظیر همدردی، و شفقت، به ایجاد توازن هیجانی، از طریق تخلیه هیجان های زیان بار می انجامد. آثار تربیتی ادبیات داستانی، در انطباق با نظریه، گرای اخلاق است که براساس آن ممانعت از گسست بین قضاوت اخلاقی و اقدام اخلاقی، مستلزم درک هیجانی از احساس ها و باورهای خود و دیگران و نیز ماهیت روابط اجتماعی در ورای گروه های اجتماعی است. در این مقاله از اخلاقمندی مبتنی بر معرفت هیجانی، تحت عنوان اخلاق هیجان مدار یاد می شود و تلاش می گردد، ضمن تبیین جایگاه عاطفه و هیجان در سوق دادن افراد به سمت خیر اخلاقی، نقش آفرینی معرفت شناختی ادبیات در این راستا مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. نتیجه گیری: حضور و اثرگذاری مثبت ادبیات داستانی در یک بافت فرهنگی، به عنوان ابزار خیر اخلاقی، مستلزم بررسی های دقیق روانشناختی و جامعه شناختی است. در این راستا، ماهیت و آثار هیجان متون ادبی در حوزه ادبیات کودک و آثار ادبی ترجمه شده، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. در صورت لحاظ نمودن مختصات فرهنگی نظام عاطفی جامعه مخاطب، توسعه گنجینه ای غنی و متوازن از هیجان های آشنا و متعارف از یک سو و هیجان های پیچیده و نوپدید از سوی دیگر، نقشی است که ادبیات داستانی قادر است در توسعه اخلاق هیجان مدار ایفا نماید.

کلمات کلیدی:

ادبیات درمانی، اخلاق هیجان مدار، ادبیات داستانی، عاطفه گرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/948068>

